

تحلیل ساختاری نقش مولفه‌های حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان
(مطالعه تطبیقی محلات برخوردار و حاشیه‌نشین)

حسن رضا یوسفوند^۱، نفیسه صدرارحامی^۲، داریوش غفاری^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

DOI: 10.30495/JISDS.2023.73718.11907

چکیده

بحث از حقوق شهروندی در جامعه اشاره به برخورداری افراد یک جامعه از همه حقوق فردی و اجتماعی دارد. بر همین اساس این پژوهش با هدف تحلیل ساختاری نقش مولفه‌های حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان در دو منطقه برخوردار و حاشیه‌نشین انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایش و به لحاظ معیار زمان؛ مقطعی، به لحاظ ماهیت؛ کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش شامل مردان و زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله (جوانان) ساکن شهرهای اصفهان در دو منطقه برخوردار و حاشیه‌نشین است. منطقه برخوردار شامل مرداوویج و منطقه حاشیه‌نشین شامل محله ارزان و دارک بوده است که حجم نمونه بر اساس جدول لین برای هر یک از مناطق ۳۸۴ نفر و در مجموع ۷۶۸ نفر تعیین شد. نتایج حاصل از تحلیل ساختاری نشان داده که با توجه به ضرایب به دست آمده اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی در دو جامعه متفاوت حاشیه‌نشین و برخوردار معنادار بوده است و با توجه به ضریب تاثیر (۰/۴۹) اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی منطقه حاشیه‌نشین بیشتر اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی منطقه برخوردار (۰/۳۱) بوده است و در کل هر دو اثر معنادار هستند، اما تحلیل اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی نشان داده که باتوجه به ضرایب، حجم سرمایه اجتماعی مناطق برخوردار بیشتر از منطقه حاشیه‌نشین بوده است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، طبقه اجتماعی، حاشیه نشینی.

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۳۶۹۷ تهران، ایران.
(Email: yosofvand@pnu.ac.ir)

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
(Email: n.sadr@pnu.ac.ir)

^۳ دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
(Email: darghafari@yahoo.com)

مقدمه و بیان مسأله

سرمایه اجتماعی به شبکه‌ها، هنجارها و اعتمادی اطلاق می‌شود که همکاری و هماهنگی بین افراد و گروه‌های یک جامعه را تسهیل می‌کند این شامل شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، و مشارکت اجتماعی، از جمله عوامل دیگر است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی که حاصل شکل‌گیری و استقرار ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، عرف‌ها و قواعد به صورتی خودجوش و در بستری از روابط متقابل اجتماعی است، زمینه‌ساز همدلی، همکاری، نوع دوستی، وفاداری، وجدان کاری در زندگی اجتماعی از جانب افراد است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳). سرمایه اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، با افزایش اعتماد، برقراری روابط و پیوندها، انسجام و همبستگی اجتماعی بالاتر، حمایت اجتماعی بیشتر و مشارکت اجتماعی مؤثرتر، تأثیرهای مثبت خود را در ابعاد فردی بازتاب داده است (موسوی و شیانی، ۱۳۹۴: ۲۴۹). شهروندی نیز یکی از قدیمی‌ترین مفاهیم سیاسی و اجتماعی ناظر بر توزیع قدرت در دولت شهرهای یونان بوده است (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ میلادی فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ میلادی قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد به امضای کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه الهام گرفته است (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). حقوق شهروندی نیز به حقوق قانونی و سیاسی اشاره دارد که افراد به عنوان اعضای یک کشور یا جامعه خاص از آن برخوردارند. این حقوق شامل حق رای، حق بیان و تجمع آزاد، حق محاکمه عادلانه و حق رفتار برابر طبق قانون..... است. به بیان دیگر حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). بنابراین حقوق شهروندی به افرادی تعلق می‌یابد که تابعیت یک کشور داشته باشند و ملیت و حق عضویت در یک کشور اولین گام برای برخورداری از حقوق شهروندی است. در خانوارهای با تابعیت‌های چندگانه اکثر برخورداری از حقوق شهروندی برابر با چالش‌هایی همراه است (عبدالرحیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۷). وقتی شهروندی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از همه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (ساعی‌ارسی، ۱۳۹۱: ۴۵). حقوق شهروندی برای شهروندان کاربردهای فراوانی دارد و نظام حقوقی شهر زمانی می‌تواند کارآمد باشد که شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری آگاهی داشته باشند. زیرا این آگاهی موجب می‌شود مشارکت شهروندان در کارهای شهری از پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود و حتی زمینه انجام هر چه بهتر مدیریت امور شهری و کاهش معضلات آن را ایجاد شود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹). از یک سو حقوق شهروندی مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). از سوی دیگر عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراوانی ممکن است با حقوق شهروندی رابطه داشته باشد و از آن تأثیر پذیرند که سرمایه اجتماعی یکی از این عوامل بنیادی است. فوکویاما (۱۳۸۴) معتقد است که سرمایه اجتماعی توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها است. سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان وجود مجموعه مشخصی از قواعد و هنجارهای غیر رسمی مشترک میان اعضای یک گروه که همکاری میان آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد، تعریف نمود. قواعد و هنجارهای مشترک به تنهایی سرمایه اجتماعی ایجاد نمی‌کنند، زیرا ممکن است ارزش‌ها، ارزش‌های نادرستی باشند. هنجارهایی

^۱ Abdulrahim

که سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کنند با واقعاً در برگیرنده فضایی نظیر راستگویی، انجام تعهدات و عمل متقابل باشند. بنابراین، آنچه که در سرمایه اجتماعی دارای اهمیتی بنیادی است، بحث اعتماد، همکاری و تعامل کنشگران اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی است. این امر می‌تواند رابطه تنگاتنگی با مفهوم حقوق اجتماعی و به ویژه حقوق شهروندی داشته باشد (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۱) شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد حقوق شهروندی می‌تواند تأثیر مثبتی بر سرمایه اجتماعی داشته باشد. وقتی افراد به حقوق قانونی و سیاسی دسترسی دارند، ممکن است برای مشارکت در زندگی مدنی و تعامل با جوامع خود احساس قدرت بیشتری کنند. این می‌تواند منجر به افزایش اعتماد، همکاری و پیوند اجتماعی شود که همگی از اجزای مهم سرمایه اجتماعی هستند. مطالعات زیادی انجام شده نشان می‌دهد که کشورهایی با سطوح بالاتری از حقوق سیاسی تمایل به داشتن سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی دارند که با شاخص‌هایی مانند اعتماد به دیگران، مشارکت مدنی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه اندازه‌گیری می‌شود افرادی که بیشتر درگیر سیاسی هستند و دسترسی بیشتری به حقوق سیاسی دارند، احتمال بیشتری دارد که در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند و شبکه‌های اجتماعی قوی‌تری داشته باشند. حقوق شهروندی می‌تواند نقش مهمی در شکل دادن به سطح سرمایه اجتماعی در یک جامعه ایفا کند. با ارائه ابزارهای حقوقی و سیاسی افراد برای مشارکت در زندگی مدنی، حقوق شهروندی می‌تواند به تقویت حس اجتماع و ارتقای همکاری و اعتماد در میان اعضای یک جامعه کمک کند. آگاهی از حقوق شهروندی در سطح متوسط بر میزان سرمایه اجتماعی ارتباط دارد (بابازاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳) (۲۴۹). همچنین عوامل متعددی مانند میزان حقوق شهروندی می‌تواند بر سطح سرمایه اجتماعی شهروندان در هر جایگاهی موثر باشد. مقوله‌هایی مانند اعتماد نهادی و غیرنهادی، همکاری و تعامل اجتماعی کنشگران در شبکه‌های اجتماعی، همان ایده‌ای است که بر مبنای آن شهروندی شکل گرفته و تداوم پیدا می‌کند. بنابراین اهمیت ارتباط سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی را در زندگی اجتماعی برجسته‌تر کرد. در واقع، مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند رو به رشد جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۱). به هر حال، آنچه مشخص است، این است که سرمایه اجتماعی می‌تواند همبستگی و تعامل اجتماعی را در جامعه و به ویژه اجتماعات محلی افزایش بدهد. یکی از مولفه مهم افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه شهروندی است که از طریق ترویج تعامل، همکاری و اعتماد بیشتر، تقویت احساس امنیت و ثبات در جامعه، ارائه حمایت‌ها و حقوق قانونی برای افراد که منجر به برابری و شمول اجتماعی بیشتر در جامعه می‌شود، تشویق مشارکت مدنی، تقویت شبکه‌های اجتماعی و تنوع و تبادل فرهنگی بیشتر و ترویج تفاهم و مدارا در میان گروه‌های مختلف که منجر به همکاری و انسجام، گفتگو و ارتباط بیشترین افراد و دسترسی بیشتر همه به منابعی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی، ارتقای رفاه و حمایت اجتماعی ... بین اعضای جامعه افزایش پیدا می‌کند بر این اساس سوالاتی که مطرح می‌شود این است که ۱- حقوق شهروندی چگونه با سرمایه اجتماعی ارتباط دارد؟ ۲- حقوق شهروندی چگونه می‌تواند سرمایه اجتماعی را در عمل افزایش دهد؟ بر این اساس هدف اصلی پژوهش تبیین سرمایه اجتماعی با توجه به مولفه‌های حقوق شهروندی است که با مطالعه و تحلیل ساختاری نقش مولفه‌های حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تحلیلی مقایسه‌ای از متغیرهای پژوهش در دو نواحی کاملاً متفاوت انجام دهد.

ادبیات و پیشینه نظری پژوهش

از لحاظ تاریخی، شهروندی بستر اجتماعی است که تعیین کننده موقعیت فرد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. در حقیقت، شهروندی فی نفسه یکی از مهمترین منابعی است که جامعه به فرد به عنوان شخص حقوقی اعطا می‌کند و این هویت بخشی از جامعه مدنی است که بر محور مجموعه‌ای از ارزش‌ها شکل می‌گیرد که در معنای کلی به فضیلت مدنی تعبیر

می‌شود (اینوکیشی و بلاندل^۱، ۲۰۰۷: ۱۰۳). شهروندی به عنوان یک ویژگی بارز انسانی ناشی از نیاز انسان به همزیستی مسالمت آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به حقوق و وظایف خود و وجود یک اخلاق مشارکت جویانه و آگاهانه در فعل و انفعالات اجتماعی است (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷: ۵۵). حقوق شهروندی وقتی بروز می‌کند که همه افراد یک جامعه از همه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۵). شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). حقوق شهروندی در صورتی در جامعه تحقق می‌یابد که شهروندان جامعه از دانش، نگرش، آگاهی و مهارت لازم برای زندگی در یک جامعه مدنی برخوردار باشند. در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود. بی‌اطلاعی از حقوق افراد و اهمال ورزیدن در مورد آن یا حقیر انگاشتن آن، یکی از مهمترین علل تیره‌روزی‌های عامه مردم و فساد حکومت‌ها است (یونسکو^۲، ۲۰۰۴). بنابراین حقوق شهروندی حقوقی است که با اجرای آن سلامت جسمی، روحی فرهنگی اخلاقی ساسی اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تأمین شده و ارتقا می‌یابد (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). مفهوم حقوق شهروندی، همانگونه که از اسم آن بر می‌آید، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شهر و شهرنشینی دارد. اساساً حقوق شهروندی بر چهار اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق فرهنگی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می‌شود. آلن سیرز و هاگز^۳ (۲۰۰۶) در تحلیل ابعاد حقوق شهروندی، دیدگاهی بیان می‌کنند که حقوق شهروندی را شامل چهار بخش؛ بعد مدنی شهروندی، بعد سیاسی شهروندی، بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی است. در بعد مدنی شهروندی، ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رای و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند. بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. همچنین بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه‌ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می‌کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد (سیرز و هاگز، ۲۰۰۶: ۵). اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهروندی خاص زندگی شهرنشینی یا همان حقوق شهری آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری شهری، شهرنشینی و مدیریت شهری است تا زمینه‌های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی برای شهروندان فراهم آید (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷).

در عصر حاضر، شهرنشینی به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است و این روابط اجتماعی باید تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چه آنکه، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوق دینی و غیر دینی است. حقوق شهروندی، حقوق انسان به خاطر زندگی در اجتماع معین با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی است. دستیابی

¹ Inoquchi & Blondel

² UNESCO

³ Sears and Hughes

به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی و قضایی از جمله حقوق شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۷) هر پدیده نوظهور علاوه بر فوایدی که برای اجتماع دارد؛ مضراتی نیز با خود به ارمغان می‌آورد و شهرنشینی هم از این قاعده مستثنی نبوده و از عواقب گسترش آن پدیده‌ای شوم مانند حاشیه‌نشینی بوده است. اهمیت مسأله حاشیه‌نشینی هم از نظر حقوق و ارزش‌های انسانی و هم از نظر اجتماعی و اقتصادی و توسعه ملی ضروری است. همه ملت‌ها و آحاد بشر حق حیات دارند و نمی‌توان به صرف حاشیه‌نشینی افراد را از دست‌یابی به حداقل حقوق خود که داشتن یک زندگی بی‌دغدغه و با احساس امنیت و آرامش است؛ محروم نمود. طبق اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی و همچنین چشم‌انداز ۲۰ ساله، نباید چیزی با عنوان حاشیه‌نشینی در کشور وجود داشته باشد، مطابق اصول قانون اساسی رعایت اصل مساوات، حق امنیت، حق اشتغال و کسب، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه، حق برخورداری از آموزش رایگان، حق مسکن و سرپناه، حق دادخواهی عادلانه، حق انتخاب وکیل، حق آزادی، حق احترام به حیثیت و آبرو، حق مالکیت و حق شکایت از دولت در بین تمام شهروندان لازم‌الرعایه خواهد بود (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۷).

بنابراین دولت موظف هست با اجرای دقیق این اصول شریطی را فراهم کند که کسی حاشیه‌نشین نباشد و این نشان‌دهنده این است که حاشیه‌نشینی پدیده غیرعادی جمعیتی محسوب می‌شود. تحولات نشأت گرفته از ظهور جوامع مدرن که با رشد سریع شهرنشینی همراه بوده است، به ظهور الگویی از شهری شدن در قالب پیدایش حاشیه‌ها منجر شده است. هرچند پیشینه حاشیه‌نشینی به درازای عمر شهرنشینی است (نقدی و صادقی، ۱۳۹۲: ۹۰)، این عوامل سبب هجوم مهاجران و تازه‌واردان به نقاط شهری و پیشی گرفتن رشد سکته نقاط شهری بر رشد، امکانات، فرصت‌های و در نتیجه به انفجار شهری در جهان منجر شد و بخشی از این جمعیت شهری نتوانستند استانداردهای لازم برای زندگی شهری را تأمین کنند (شکویی ۱۳۷۹: ۴۲). همچنین اشخاص به دلیل نبود امکانات زندگی سالم و مناسب، از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و چون با درآمد محدود توانایی زندگی در شهر را ندارند، ناچار در حاشیه‌شهرها ساکن شده و اغلب به کارهای پست رو می‌آورند. بنابراین، ریشه حاشیه‌نشینی را باید در مشکلات اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و غیره جست‌وجو کرد. بدون شک مناطق حاشیه‌نشین سطح پایینی از مشارکت و سرمایه اجتماعی را تجربه می‌کنند (تاج‌بخش، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در همین راستا پاتنام معتقد است که حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهر در کاهش سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارند. او سه دلیل را برای آن ذکر می‌کند: الف) حاشیه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین فرصت کمتری را برای ملاقات با دوستان و همسایگان و نشست‌های عمومی پیدا می‌کند. ب) پراکندگی، حاشیه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط نژادی و طبقاتی محدود می‌گردد. بنابراین پراکندگی و حاشیه‌نشینی به عنوان مکانیسمی علیه سرمایه اجتماعی بین گروهی عمل می‌کند. ج) پراکندگی و حاشیه‌نشینی باعث از بین بردن بستگی درونی اجتماع (به واسطه فاصله محل زندگی از محل کار) می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۸۳). بنابراین از آنجایی که حق مشارکت سیاسی از مهم‌ترین حقوق سیاسی شهروندی است (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸). این بسترها در تمام بخش‌های یک جامعه باید رعایت شود. از نظر اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌ای و فقیر در جامعه‌های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و...) است و بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی امری اجتناب‌ناپذیر است (حسین‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۹).

بنابراین حاشیه‌نشینی را می‌توان ناشی از نوعی بی‌عدالتی در توزیع امکانات و ثروت و نادیده گرفتن حقوق برخی از مردم دانست. که حجم پایینی از سرمایه‌ها در آن دخیل هستند و اگر حقوق شهروندی آحاد جامعه به صورت برابر مورد توجه قرار گیرد، بدون شک پدیده حاشیه‌نشینی هم کمتر خواهد بود. یکی از اقدامات برای برخورد با حاشیه‌نشینی پذیرفتن این امر است که حاشیه‌نشین‌ها بخشی از جامعه و دارای حقوق شهروندی هستند. دولت باید بخشی از درآمدهای حاصل

از مالیات را در سال به رفع معضل حاشیه‌نشینی اختصاص دهد و در پایان هر دوره نیز نتیجه‌گیری کند. تقسیم برابر امکانات از سوی دولت راهکار اصلی برای رفع حاشیه‌نشینی است و در غیر این صورت حاشیه‌نشینی سبب بروز اعمال مجرمانه می‌شود. جدا از اقداماتی که برای حذف حاشیه‌نشینی از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح انجام می‌گیرد و وجدان و وظیفه قانونی حکم می‌کند که رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی حاشیه‌نشینان باید مورد توجه قرار بگیرد. علاوه بر قوانین جاری ناظر بر حقوق شهروندی در دین مبین اسلام نیز اعمال تبعیض در ارائه امکانات به شهروندان یک جامعه صرف تقسیم‌بندی لایه‌های اجتماعی امری حرام محسوب می‌شود (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۵) و تبعیض طبقاتی را بر نمی‌تابد (عباسی، ۱۳۹۵: ۵۰).

شهروندی، مفهومی بسیار گسترده است که مستلزم بسیاری از جنبه‌های مختلف از جمله مشارکت سیاسی، توانایی برای مطالبه حقوق و مزایای (حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی) خاص، هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). بر این اساس هابرماس (۱۹۹۴) به عنوان یکی از اندیشمندان مکتب انتقادی نیز ایده‌هایی را درباره شهروندی بیان کرده است. از نظر هابرماس افراد نقش شهروندی را در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی، فرد عضو تمام عیار جامعه خود است و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل می‌کند. به همین دلیل دسترسی برابر به حقوق مشارکتی از نظر او بسیار مهم است. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی به ایفای نقش شهروندی می‌پردازند که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثیر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی، مسئولیت حقوقی شهروندی است (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۴۵-۳۴۹؛ شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). هابرماس حرکت جهان را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل دموکراتیک و فعال در آن ایفای نقش کنند؛ بنابراین باید از حقوق خود آگاهی داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۴: ۹۹؛ شیانی و سهیوند، ۱۳۹۲: ۴۷۴). به عقیده وی حکومت نیز باید نقش اساسی در پرورش شهروندان آگاه و متعهد داشته باشد و زمینه را برای رشد کامل استعدادهای فردی فراهم کند از این منظر رابطه مشارکت و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای دو طرفه است از یک طرف مشارکت سبب افزایش آگاهی شهروندان از حقوق خود می‌شود و از طرف دیگر آگاهی از حقوق شهروندی محرکی است برای افزایش مشارکت و حجم سرمایه اجتماعی افراد در جامعه است.

بررسی ادبیات تجربی موجود بیانگر این است که ریشه‌های مفهوم سرمایه اجتماعی از نظر زمانی به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد و معمولاً با مطالعات کلمن (۱۹۹۰) و پاتنام (۱۹۹۲) آغاز شده است. در تلاش برای یافتن عواملی غیر اقتصادی جهت توضیح موفقیت برخی از فرآیندهای اقتصادی، این محققان به مفاهیمی همچون اعتماد، مشارکت در جامعه مدنی و شبکه‌های اجتماعی که همگی سرمایه اجتماعی جامعه‌ای مشخص را شکل می‌دهند، نزدیک شدند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۹). سرمایه مادی مانند پول شکل عینی سرمایه است و سرمایه مادی ابزاری برای تولید، توزیع و مصرف است. سرمایه انسانی در نهادهایی مانند آموزش و پرورش و آموزش عالی تولید می‌شود. این نهادها افراد را مجهز به توانایی‌ها و مهارت‌هایی می‌کنند که برای کار در نهادهای اقتصادی و اجتماعی لازم هستند. سرمایه انسانی نسبت به سرمایه مادی کمتر عینیت دارد. سرمایه اجتماعی با اتکا بر اعتماد و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و در تعاملات بین افراد نمود می‌یابد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵). دیدگاه پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی نزدیکی بیشتری با مسأله مورد پژوهش دارد. از همین رو، از این نظریه به عنوان بخشی از چارچوب نظری تبیین‌کننده به کار می‌رود. پاتنام (۱۳۸۰) در تعریف سرمایه اجتماعی به سه عنصر: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازند، تأکید دارد.

الف: شبکه‌ها

شبکه‌های رسمی و غیررسمی تعاملات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه داری و ... وجود دارند. این شبکه‌ها دو نوع «افقی» و «عمودی» را شامل می‌شوند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری

برخوردارند. در این حالت همه کنشگران درگیر کنش‌ها بوده با هم در ارتباطند و اطلاعات به صورت شفاف در اختیار کنشگران قرار می‌گیرد. در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضویت دارند که وضعیتی نابرابر نسبت به هم دارند. در این حالت کنشگران باهم ارتباطی ندارند. به این معنی که رابطه کنشگران منقطع بوده و ایشان تنها اطلاعاتی را بدست خواهند آورد که منافع افراد در موقعیت بالاتر را به خطر نیندازد و اطلاعات به صورت شفاف رد و بدل نمی‌شود. گروه‌های محله، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی کانون‌های فکری و انجمن‌ها جز شبکه‌های افقی هستند هرچه تعداد این شبکه‌ها در جامعه‌ای بیشتر باشد، همیاری و همکاری بیشتر است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۴).

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند دو نوع افقی و عمودی باشند. در شبکه‌های عمودی چون مبتنی بر سلسله مراتب و پنهان سازی مبتنی بر مصلحت اندیشی هستند، اعتماد رشد نمی‌کند و همکاری شکل نمی‌گیرد. در حالی که در شبکه‌های افقی کانال‌ها شفاف هستند و این طور نیست که تنها یک عده خاص در جریان اطلاعات باید باشند به راحتی اطلاعات نشر پیدا می‌کند و نمی‌تواند پنهان کاری شکل بگیرد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

پاتنام مزیت شبکه‌ای مشارکت مدنی را داری مزایای زیر می‌داند:

هزینه‌های اجتماعی شانه خالی کردن از تعهدات

تقویت هنجارهای اجتماعی

ایجاد و تقویت کانال‌های ارتباط و تبادل اطلاعات (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

ب: هنجارهای همیاری

هنجارهای همیاری دارای منافی برای جمع از جمله تحکیم اعتماد و بهبود همکاری هستند. با رعایت چنین هنجارهایی، اجتماعات می‌توانند فرصت‌های ظهور جستجوی منافع فردی را محدود کنند و نیز زمینه را برای تسهیل کنش جمعی فراهم کنند. حاکم بودن ارزش‌های جمعی بر این شبکه‌ها موجب می‌شود شهروندان منافع جمعی را بر منافع فردی بیشتر ترجیح بدهند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

ج: اعتماد اجتماعی

طبق نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی از هنجارها و شبکه‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد. به ویژه در جامعه‌ای که منافع جمعی بر منافع فردی رجحان داشته باشد، هنجارهای مبتنی بر همکاری و همیاری شکل می‌گیرد و در کنار آن زمینه برای مشارکت مدنی انجمن‌ها، سازمان‌ها فراهم می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۶). در مجموع پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای همیاری و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که دارای ارتباطات درونی، خود تقویت کننده و خود افزاینده هستند. بنا به اعتقاد پاتنام ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد. وی همچنین اضافه می‌کند که نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع عهدشکنی، بی اعتمادی، فریب و حيله و بهره‌کشی، انزوا، بی نظمی و رکود را به دنبال خواهد داشت.

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی

- حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات اجتماعی اصفهان تاثیر دارد.

- حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر متفاوت دارد.

فرضیات فرعی

- بعد مدنی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر متفاوت دارد.
- بعد سیاسی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر متفاوت دارد.
- بعد اجتماعی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر متفاوت دارد.
- بعد فرهنگی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر متفاوت دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کمی و پیمایشی است و به لحاظ معیار زمان؛ مقطعی، به لحاظ ماهیت؛ کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش شامل مردان و زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله (جوانان) ساکن شهرهای اصفهان در دو منطقه برخوردار و حاشیه‌نشین است. منطقه برخوردار شامل مرداوینج و منطقه حاشیه‌نشین شامل محله ارزنان و دارک بوده است. حجم نمونه بر اساس جدول لین با خطای اندازه‌گیری ۴ درصد برای هر یک از مناطق ۳۸۴ نفر و در مجموع ۷۶۸ نفر تعیین شد. بر اساس مبانی تئوریک و تجربی پژوهش، تعداد ۴۶ سوال که متغیرهای پژوهش را مورد سنجش قرار داده‌اند و ۶ سوال متغیر زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل محل سکونت درآمد) در مجموع ۵۱ سوال با استفاده از نظر متخصصان و از پژوهش‌های پیشین استخراج و پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفتند. جهت احراز اعتبار پرسشنامه از دو شیوه اعتبار محتوا (صوری) و تکنیک تحلیل عامل تأییدی که در مدل لیزرل آمده است استفاده شده است و به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کربناخ استفاده شد و نتایج آن در جدول شماره (۱) آمده است. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ استفاده شد. و با مراجعه به درب منازل مشخص که از قبل انتخاب شده بودند در محله‌های مذکور، پس از توضیحی در مورد اهداف و اهمیت پژوهش با یکی از اعضا خانواده در فضای صمیمی پرسش‌نامه‌ها تکمیل و جمع‌آوری گردید اگر یکی از خانوادها در منزل حضور نداشتند از سرپرستان منازل هم جوار جایگزین می‌شدند. (لازم به ذکر است در این امر ۵ نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی همکاری داشتند)

جدول (۱) برآورد ضریب آلفای کربناخ مربوط به متغیرهای پژوهش

| مفهوم | ابعاد | تعداد گویه | مقدار آلفا | مفهوم | ابعاد | تعداد گویه | مقدار آلفا |
|--------------|--------------------------|------------|------------|---------------|------------------|------------|------------|
| حقوق شهروندی | بعد مدنی حقوق شهروندی | ۷ | ۰/۸۴ | تربیت اجتماعی | شبکه‌ها | ۷ | ۰/۷۶ |
| | بعد سیاسی حقوق شهروندی | ۶ | ۰/۷۹ | | هنجارهای اجتماعی | ۴ | ۰/۷۵ |
| | بعد اجتماعی حقوق شهروندی | ۸ | ۰/۸۰ | | اعتماد اجتماعی | ۹ | ۰/۸۶ |
| | بعد فرهنگی حقوق شهروندی | ۵ | ۰/۷۳ | | مجموعه کل | ۴۶ | |

مقادیر مربوط به برآورد ضریب آلفای کربناخ در جدول بالا بیانگر این است که همبستگی درونی گویه‌های مربوط به مفاهیم اصلی پژوهش در حد بالا برآورد می‌شود، در نتیجه ابزار سنجش مربوط به این مفاهیم از دقت اندازه‌گیری کافی برخوردار و به عبارت دیگر پایا یا دارای قابلیت اعتماد است.

^۱ Multistage Cluster Sampling

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو قسمت مجزا و در قالب یافته‌های توصیفی و استنباط ارائه گردیده است:

یافته‌های توصیفی: در این قسمت ابتدا توصیفی از نمونه آماری پژوهش با استفاده از جداول فراوانی ارائه و در ادامه متغیرهای اصلی پژوهش و ابعاد آن‌ها از طریق مهم‌ترین شاخص‌های آماری توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) توصیف شده‌اند:

جدول (۲) توصیف متغیر ابعاد سرمایه اجتماعی در نمونه آماری پژوهش (مناطق حاشیه‌نشین)

| شاخص | | | | | متغیر |
|--------|-------|---------|--------------|---------|------------------|
| کشیدگی | کجی | واریانس | انحراف معیار | میانگین | |
| ۰/۶۹ | ۰/۶۳ | ۰/۶۰ | ۰/۷۷ | ۲/۴۶ | شبکه‌ها |
| ۱/۲۱ | -۰/۳۳ | ۰/۲۱ | ۰/۴۶ | ۲/۹۶ | هنجارهای اجتماعی |
| ۰/۱۲ | ۰/۴۳ | ۰/۴۸ | ۰/۶۹ | ۲/۵۲ | اعتماد اجتماعی |

بر حسب مقادیر جدول بالا، میانگین متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد (شبکه‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی) در مناطق حاشیه‌نشین پایین‌تر از میانگین فراوانی مورد انتظار (۳) و به عبارتی پایین‌تر از حد متوسط است. بنابراین حجم سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری بر اساس طبقات اجتماعی متفاوت است.

جدول (۳) توصیف متغیر ابعاد سرمایه اجتماعی در نمونه آماری پژوهش (مناطق برخوردار)

| شاخص | | | | | متغیر |
|--------|-------|---------|--------------|---------|------------------|
| کشیدگی | کجی | واریانس | انحراف معیار | میانگین | |
| -۰/۰۳ | -۰/۲۸ | ۰/۷۴ | ۰/۸۶ | ۳/۲۴ | شبکه‌ها |
| ۰/۵۴ | -۰/۵۹ | ۰/۶۲ | ۰/۷۸ | ۳/۴۷ | هنجارهای اجتماعی |
| -۰/۰۴ | -۰/۳۶ | ۰/۷۱ | ۰/۸۴ | ۳/۴۰ | اعتماد اجتماعی |

بر حسب مقادیر جدول بالا، میانگین متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد (شبکه‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی) در مناطق برخوردار شهر اصفهان بالاتر از میانگین فراوانی مورد انتظار (۳) و به عبارتی بالاتر از حد متوسط است. بنابراین حجم سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری بر اساس طبقات اجتماعی متفاوت است.

جدول (۴) توصیف ابعاد متغیر حقوق شهروندی در نمونه آماری پژوهش (هر دو منطقه)

| شاخص | | | | | متغیر |
|--------|-------|---------|--------------|---------|--------------------------|
| کشیدگی | کجی | واریانس | انحراف معیار | میانگین | |
| ۰/۰۴ | -۰/۸۲ | ۱/۱۵ | ۱/۰۷ | ۳/۸۰ | بعد مدنی حقوق شهروندی |
| ۱ | -۱/۱۳ | ۰/۵۳ | ۰/۷۳ | ۳/۹۱ | بعد سیاسی حقوق شهروندی |
| -۰/۳۰ | ۰/۱۲ | ۰/۷۲ | ۰/۸۵ | ۲/۹۳ | بعد اجتماعی حقوق شهروندی |
| -۰/۴۷ | -۰/۲۲ | ۰/۷۰ | ۰/۸۳ | ۳/۵۳ | بعد فرهنگی حقوق شهروندی |

از آنجایی که قواعد و ضوابط حقوقی در هر منطقه از شهر تغییری ندارند، بنابراین توصیف ابعاد متغیر حقوق شهروندی در نمونه آماری پژوهش هر دو منطقه به طور همزمان انجام شده است. بر حسب مقادیر جدول بالا میانگین متغیر حقوق شهروندی و ابعاد آن به جزء در بعد بعد اجتماعی حقوق شهروندی در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط یا میانگین مورد انتظار (۳) برآورد شده است؛ به عبارت دیگر میانگین حقوق شهروندی و اکثریت ابعاد آن در بین نمونه آماری بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

یافته‌های استنباطی

در این بخش فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضرایب تحلیل رگرسیون خطی آزمون شده‌اند. فرضیه اصلی: حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر دارد.

جدول (۵) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|--------------|-------|----------------|--------|-------|-------|--------|-------|
| حقوق شهروندی | ۰/۶۳۱ | ۰/۳۹۸ | ۱۲/۵۹۳ | ۰/۶۳۱ | ۶/۰۷۸ | ۶۸/۰۷۴ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/631$) مثبتی بین حقوق شهروندی و سطح سرمایه اجتماعی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/398$ نشان می‌دهد که متغیر میزان حقوق شهروندی توانسته است ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) را تبیین نماید. ضریب $B=12/539$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (حقوق شهروندی)، $12/539$ واحد به متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=6/08$ ، $F=68/07$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود. در راستای فرضیه اصلی پژوهش فرضیات فرعی نیز آزمون شدند و نتایج آنها ارایه شده است.

فرضیات فرعی

- بعد مدنی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر دارد.

جدول (۶) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر بعد مدنی حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|-----------------------|-------|----------------|-------|-------|-------|--------|-------|
| بعد مدنی حقوق شهروندی | ۰/۶۰۴ | ۰/۳۶۵ | ۳/۵۱۳ | ۰/۶۰۴ | ۷/۶۹۵ | ۵۹/۲۰۹ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/604$) مثبتی بین مدنی حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/365$ نشان می‌دهد که متغیر بعد مدنی حقوق شهروندی توانسته است ۳۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/513$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (بعد مدنی حقوق شهروندی)، $3/513$ واحد به متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=7/695$ ، $F=59/209$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- بعد سیاسی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر دارد.

جدول (۷) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر بعد سیاسی حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|------------------------|-------|----------------|-------|-------|-------|--------|-------|
| بعد سیاسی حقوق شهروندی | ۰/۶۲۱ | ۰/۳۴۵ | ۳/۶۵۲ | ۰/۶۲۱ | ۸/۰۳۹ | ۶۴/۶۲۸ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/621$) مثبتی بین میزان بعد سیاسی حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/345$ نشان می‌دهد که متغیر بعد سیاسی حقوق شهروندی توانسته است ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/652$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (بعد سیاسی حقوق شهروندی)، $3/652$ واحد به متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $F=64/628$ ، $T=8/039$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- بعد اجتماعی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر دارد.

جدول (۸) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر بعد اجتماعی حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|--------------------------|-------|----------------|-------|-------|-------|--------|-------|
| بعد اجتماعی حقوق شهروندی | 0/480 | 0/230 | 3/340 | 0/480 | 5/551 | 30/814 | 0/000 |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/480$) مثبتی بین بعد اجتماعی حقوق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/230$ نشان می‌دهد که متغیر بعد اجتماعی حقوق شهروندی توانسته است ۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/340$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (بعد اجتماعی حقوق شهروندی)، $3/340$ واحد به متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=5/551$ ، $F=30/814$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- بعد اجتماعی حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان تاثیر دارد.

جدول (۹) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر بعد اجتماعی حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|--------------------------|-------|----------------|-------|-------|--------|---------|-------|
| بعد اجتماعی حقوق شهروندی | 0/724 | 0/524 | 4/035 | 0/724 | 10/653 | 113/482 | 0/000 |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/724$) مثبتی بین بعد اجتماعی حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/524$ نشان می‌دهد که متغیر بعد اجتماعی حقوق شهروندی توانسته است ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) را تبیین نماید. ضریب $B=4/035$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (بعد اجتماعی حقوق شهروندی)، $4/035$ واحد به متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=10/653$ ، $F=113/482$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

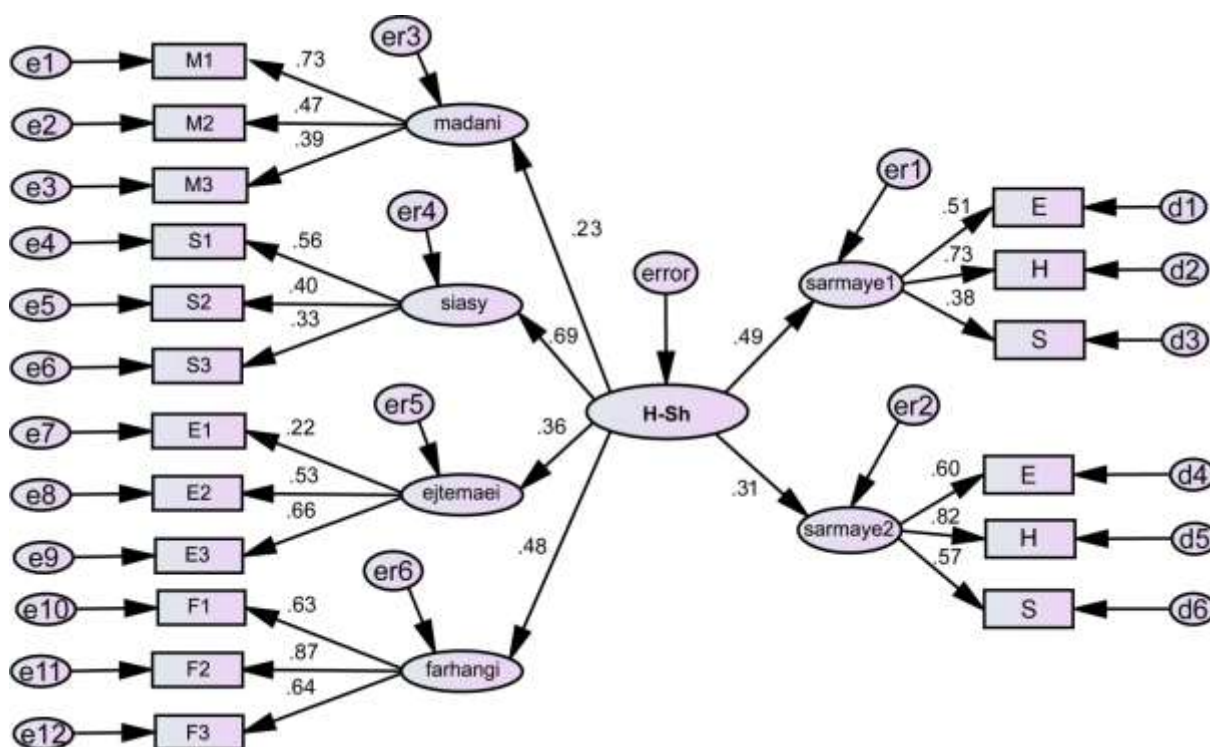
مدل سازی معادله ساختاری

در ادامه جهت بررسی اثر متغیر حقوق شهروندی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از مدل سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده شد و برای تدوین مدل از پشتوانه نظری موجود در ادبیات نظری پژوهش استفاده شده است. به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان سرمایه اجتماعی ساکنان نواحی حاشیه‌نشین و برخوردار در وضعیت‌های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. همانطور که عنوان شد، این مدل دارای پشتوانه نظری بوده و شاخص سازی سرمایه اجتماعی آن براساس نظریات سرمایه اجتماعی کلمن و پاتنام (۱۹۹۴) و شاخص سازی حقوق شهروندی آن بر اساس نظریات سیرز و هاگنر (۲۰۰۶) انجام شده است. در این مدل ۱۸ متغیر مشاهده شده وجود دارد که این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه فراهم آمده‌اند. متغیرهای مشاهده شده M1 تا M3 و S1 تا S3 و همه متغیرهای موجود در چهار گوش هستند که معرف‌هایی برای متغیرهای ابعاد

حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی هستند. در مدل فوق سرمایه اجتماعی در دو منطقه برخوردار و حاشیه‌نشین اصفهان جداگانه در مدل قرار گرفته شده است. برای روشن شدن بهتر نمادهای ترسیمی موجود در مدل و ابعاد شاخص‌سازی جدول زیر نام متغیر موجود در مدل و نمادهای ترسیمی آن را به تصویر کشیده است.

جدول (۱۰) متغیرهای موجود در مدل معادله ساختاری

| نام متغیر | ابعاد | تعداد شاخص‌ها | نماد ترسیمی |
|--------------------------|--|---------------|--------------------------------------|
| حقوق شهروندی (H-Sh) | بعد مدنی شهروندی (madani) | ۳ | M1, M2, M3 |
| | بعد سیاسی شهروندی (siasy) | ۳ | S1, S2, S3 |
| | بعد اجتماعی شهروندی (ejtemaei) | ۳ | E1, E2, E3 |
| | بعد فرهنگی شهروندی (farhangi) | ۳ | F1, F2, F3 |
| سرمایه اجتماعی (sarmaye) | سرمایه اجتماعی مناطق حاشیه (sarmaye1) | ۳ | شبکه‌ها (S)، هنجارها (H)، اعتماد (E) |
| | سرمایه اجتماعی مناطق برخوردار (sarmaye2) | ۳ | شبکه‌ها (S)، هنجارها (H)، اعتماد (E) |



مدل (۱) معادله ساختاری برای تبیین نقش حقوق شهروندی بر میزان سرمایه اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین و برخوردار شهر اصفهان

در مدل فوق با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در در متغیر پنهان زیر بنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال، در این مدل متغیرهای پنهان حقوق شهروندی شامل: بعد مدنی شهروندی (madani) با سه گویه M1, M2, M3؛ بعد سیاسی شهروندی (siasy) با سه گویه S1, S2, S3؛ بعد اجتماعی شهروندی (ejtemaei) با سه گویه E1, E2, E3 و بعد فرهنگی شهروندی (farhangi) با سه گویه F1, F2, F3 تعریف و شاخص‌سازی شده است. سرمایه اجتماعی نیز در سه بعد شبکه‌ها (S)، هنجارها (H)، اعتماد (E) شاخص‌سازی شده است. نتایج حاصل از آزمون

مدلسازی نشان داده است که همه شاخص‌های دو متغیر اصلی حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به خوبی توانسته‌اند متغیرهای اصلی پژوهش را تبیین کنند. به عبارت دیگر سه مقوله شبکه‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی معرف‌های قابل قبولی برای سرمایه اجتماعی و بعد مدنی شهروندی، بعد سیاسی شهروندی، بعد اجتماعی شهروندی و بعد فرهنگی شهروندی همگی معرف‌های قابل قبولی برای متغیر حقوق شهروندی هستند. در بررسی روابط ساختاری نیز باید عنوان کرد که با توجه به مقادیر به دست آمده اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی در دو جامعه متفاوت حاشیه نشین و برخوردار معنادار بوده است و با توجه به ضریب تاثیر (۰/۴۹) اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی منطقه حاشیه نشین بیشتر اثر حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی منطقه برخوردار (۰/۳۱) بوده است. لازم به ذکر است هر دو اثر معنادار هستند، اما تحلیل اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی نشان داده که با توجه به ضرایب حجم سرمایه اجتماعی مناطق برخوردار بیشتر از منطقه حاشیه نشین بوده است. در کل مجموعه برآوردهای استاندارد برای وزن‌های رگرسیونی شامل بارهای عاملی و ضرایب تاثیر در این مدل مشاهده می‌شود و برآورد انجام شده برای ضرایب تاثیر نشان می‌دهد که اثر شاخص‌های شبکه‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر سرمایه اجتماعی و بعد مدنی شهروندی، بعد سیاسی شهروندی، بعد اجتماعی شهروندی و بعد فرهنگی شهروندی بر حقوق شهروندی همگی معنادار هستند. البته مثبت بودن ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان از تأیید مدل دارد، در کل مثبت بودن تمامی ضرایب همبستگی در مدل نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول است.

جدول (۱۱) وزن‌های رگرسیونی مدل معادله ساختاری

| | | | Estimate | S.E. | C.R. | P |
|----------|------|----------|----------|------|--------|------|
| H-Sh | <--- | madani | .102 | .032 | 3.150 | .002 |
| H-Sh | <--- | siasy | .020 | .009 | 2.276 | .023 |
| H-Sh | <--- | ejtemaei | .530 | .120 | 4.437 | *** |
| H-Sh | <--- | farhangi | .185 | .039 | 4.714 | *** |
| sarmaye1 | <--- | H-Sh | .499 | .052 | 9.551 | *** |
| sarmaye2 | <--- | H-Sh | 2.273 | .943 | 2.410 | .016 |
| M3 | <--- | madani | .487 | .052 | 9.295 | *** |
| M2 | <--- | madani | .538 | .046 | 11.694 | *** |
| M1 | <--- | madani | 1.000 | | | |
| S3 | <--- | siasy | .683 | .197 | 3.470 | *** |
| S2 | <--- | siasy | .538 | .162 | 3.326 | *** |
| S1 | <--- | siasy | 1.000 | | | |
| E3 | <--- | ejtemaei | .632 | .123 | 5.128 | *** |
| E2 | <--- | ejtemaei | 1.386 | .400 | 3.468 | *** |
| E1 | <--- | ejtemaei | 1.000 | | | |
| F3 | <--- | farhangi | 1.101 | .110 | 9.986 | *** |
| F2 | <--- | farhangi | 1.386 | .150 | 9.242 | *** |
| F1 | <--- | farhangi | 1.000 | | | |
| E | <--- | sarmaye1 | 1.000 | | | |
| H | <--- | sarmaye1 | 1.665 | .405 | 4.108 | *** |
| S | <--- | sarmaye1 | .760 | .156 | 4.869 | *** |
| E | <--- | sarmaye2 | 1.000 | | | |
| H | <--- | sarmaye2 | 3.373 | .920 | 3.666 | *** |
| S | <--- | sarmaye2 | 2.058 | .588 | 3.498 | *** |

نسبت بحرانی و سطح معناداری آنها در جدول بالا نشان می‌دهد که کلیه بارهای عاملی دارای تفاوت معناداری با صفر هستند (نماد *** نشان می‌دهد که مقدار P کمتر از ۰/۰۰۱ است) کلیه ضرایب ساختاری دارای تفاوت معنادار با صفر هستند و نمی‌توان هیچ کدام یک از آنها را در مدل حذف کرد. همچنین با توجه به اینکه یک پارامتر دارای مبانی نظری قوی‌ای باشد، معنادار بودن ضرایب مورد انتظار است و در فرایند اصلاح مدل نمی‌توان آنها را حذف کرد. بنابراین با توجه به مقادیر P در جدول فوق می‌توان

اینگونه عنوان کرد که اثر متغیر اصلی پژوهش (حقوق شهروندی) بر روی متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) به لحاظ آماری معنادار است.

برازش مدل

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. همچنین شاخص‌های برازش گویای این واقعیت است که داده‌های پژوهش از شاخص‌های و متغیرهای تحقیق حمایت می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود χ^2 است. هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک تر باشد، نشان دهنده برازش بهتر مدل است. از آن جا که مقدار مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود. شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچک تر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است. براساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم نشده برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان دهنده برازش نسبتاً خوب مدل هستند. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۱ (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچک تر از ۰/۰۸ باشد، نشان گر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند. در جدول زیر نتایج شاخص‌های برازش نشان داده شده است.

جدول (۱۲) شاخص‌های برازندگی مدل

| شاخص‌ها | مقدار | شاخص‌ها | مقدار | شاخص‌ها | مقدار |
|---------|---------|---------|-------|---------|-------|
| CMIN | ۹۵۸/۴۹۳ | GFI | ۰/۸۰۰ | CFI | ۰/۸۳۹ |
| RMSEA | ۰/۱۱۸ | AGFI | ۰/۷۴۲ | NFI | ۰/۸۰۴ |
| CMIN/DF | ۶/۵۲۰ | CFI | ۰/۶۳۹ | | |

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین تحولات اجتماعی در چند سال اخیر توسعه شهرنشینی بوده است. در ایران نسبت شهرنشینی در چند دهه اخیر رشد شتابانی داشته است و از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (رضویان، ۱۳۸۱: ۷۰). رشد شهرنشینی علاوه بر گسترش رفاه و افزایش خدمات و امکانات تبعات ناهنجاری را به دنبال داشته که گسترش حاشیه‌نشینی و ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین از عواقب رشد شتابان این شهرنشینی بوده است. از طرفی دیگر وجه مشخصه شهرنشینی جهان سومی فعلی، ناموزونی و نابرابری بوده که در حاشیه شهرها نمود بارزی پیدا کرده است. چرا که حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است. در روند گسترش شهرها نیز طی چند دهه اخیر آبادی‌ها و روستاهای بسیاری به شهرها پیوند خورده و در آنها ادغام گردیده‌اند. حاشیه‌نشینی علاوه بر زشت جلوه دادن نمای بصری شهرها، آستن مسایل اجتماعی زیادی هستند. از این رو وقتی حاشیه‌نشینان پراکندگی نابرابر منابع و خدمات شهری را ناعادلانه می‌بینند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت

^۱ Loehlin

اقتصادی- اجتماعی خویش احساس کنند، احساس محرومیت در آنها بوجود آمده و خود را شهروند درجه دو تلقی کرده که راه را برای ارتکاب جرائم اجتماعی هموار خواهند کرد و سطح بالایی از سرمایه‌ها به ویژه سرمایه اجتماعی آن از بین خواهد رفت. افراد مناطق حاشیه‌نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را تأمین نمایند. نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یکسو و فشارهای اجتماعی و روانی مرتبط بر این مسأله از سوی دیگر باعث شده است که افکار نادرستی به ذهن افراد بیکار خطور کند و آنها را به رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرائم اجتماعی وادار نماید. از طرفی دیگر عدم آگاهی آنها از مقولات شهروندی به این مسایل دامن زده و نتایج را نامطلوب‌تر خواهد کرد. چرا که امروزه حل بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه در گرو آگاهی اعضای جامعه است و آنها را در رسیدن به حقوق خویش تواناتر می‌سازد. حل مسائل جامعه و ایجاد تغییر در آنها، تنها از طریق مشارکت فعال اعضای جامعه عملی است و این مشارکت زمانی نتیجه مناسب را در پی خواهد داشت که در مسیر درست حرکت کند و این نیز در گرو انسان‌هایی با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود شکل خواهد گرفت. در جامعه‌ای با افراد آگاه از حقوق شهروندی و مسئولیت‌های خود، تبعیض و نابرابری بر اساس جنس، طبقه، نژاد، زبان و عقیده به حداقل خود خواهد رسید.

به طور کلی، جامعه‌شناسان کلاسیک مانند دورکیم اهمیت سرمایه اجتماعی را در حفظ یک جامعه سالم و باثبات تشخیص دادند. آنها معتقد بودند که سرمایه اجتماعی را می‌توان با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، تشویق مشارکت در نهادهای اجتماعی، و پرورش حس اجتماعی و هویت جمعی افزایش داد. آنها با تقویت سرمایه اجتماعی معتقد بودند که جوامع بهتر می‌توانند به چالش‌های مدرنیته پردازند و نظم اجتماعی منسجم و مرتبط تری را ایجاد کنند. جامعه‌شناسان کلاسیکی مانند امیل دورکیم به درک عواملی که به انسجام اجتماعی و همبستگی در جامعه کمک می‌کنند، توجه داشتند. دورکیم سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای ارتقای نظم و ثبات اجتماعی می‌دانست و معتقد بود که می‌تواند به مقابله با اثرات منفی فردگرایی و منفعت شخصی در جوامع مدرن کمک کند. دورکیم با ترویج ارتباط و همکاری اجتماعی بیشتر معتقد بود که سرمایه اجتماعی می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای منسجم و هماهنگ تر کمک کند. کار او در مورد سرمایه اجتماعی تأثیر ماندگاری بر حوزه جامعه‌شناسی داشته است و بر تحقیقات و نظریه پردازی‌های بعدی در این زمینه تأثیر گذاشته است. بوردیو بر نقش سرمایه فرهنگی و نمادین در شکل دادن به روابط اجتماعی و سلسله مراتب تأکید داشت. وی استدلال کرد که سرمایه اجتماعی را می‌توان با ارتقای دسترسی بیشتر به منابع فرهنگی و آموزشی تقویت کرد که می‌تواند به یکسان سازی زمین بازی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. کلمن بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی در تسهیل تبادل اطلاعات و همکاری بین افراد تأکید کرد. او استدلال کرد که سرمایه اجتماعی را می‌توان با ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی و ترویج اعتماد و تعامل بیشتر بین اعضای یک جامعه تقویت کرد. لین مفهوم منابع اجتماعی را توسعه داد که به منابعی اشاره دارد که افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی خود به دست می‌آورند. او استدلال کرد که سرمایه اجتماعی را می‌توان با ترویج دسترسی بیشتر به منابع اجتماعی تقویت کرد که می‌تواند به افزایش تحرک اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. بنابراین تحقق حقوق شهروندی نیازمند یک حرکت دوسویه است، یکی حرکت از بالا به پایین که همان فرصت‌دهی و مشارکت جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان به ویژه در عرصه عمومی است. با توجه به اهمیت حقوق شهروندی و نقش مسئولیت‌پذیر ساختن شهروندان می‌توان به این نتیجه رسید که ارتقای آگاهی شهروندان از مصادیق حقوق شهروندی در جامعه محصول تعهد و مسئولیت‌پذیری عناصر مختلف از جمله ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حقوق شهروندی است.

حقوق شهروندی می‌تواند مسئولیت اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتایج مطلوبی را برای جامعه و شهروندان به بار می‌آورد. بدون شک آگاهی از حقوق شهروندی و رعایت الزامات آن برای شهروندان، پیامدهای مطلوبی را به دنبال دارد که گسترش سرمایه اجتماعی یکی از آنهاست. حقوق شهروندی به واسطه آگاهی بخشی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت

خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود. تا افراد نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند، از وظایف خود آگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. پس برای اینکه حقوق شهروندی موثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آنها را محترم شمارند. بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آنها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقای آن نقش موثری دارد. با توجه به اینکه حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی اثر دارد، افزایش حجم سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین به کمک آگاهی از حقوق شهروندی تحقق می‌یابد. از دید پاتنام یکی از عواملی که سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد، حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهری به عنوان یک عامل موثر که حدوداً ۱۰ درصد در کاهش سرمایه اجتماعی نقش دارد، مطرح است. پاتنام تاثیر حاشیه‌نشینی و پراکندگی جمعیت را در کاهش مشارکت مدنی در سه یا چهار دهه اخیر ذکر می‌کند و پراکندگی و حومه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌داند. از نظر او ناهمگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه برای مشارکت مدنی می‌گردد و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط طبقاتی و نژادی محدود می‌گردد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۹۵؛ ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را در کتاب خود "بولینگ تنهایی" رایج کرد و در آن استدلال کرد که کاهش سطح سرمایه اجتماعی در ایالات متحده منجر به عدم مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌شود. پاتنام اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای غلبه بر مشکلات اقدامات جمعی به کار می‌برد و سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه، هنجار و اعتماد می‌داند که هماهنگی برای سود متقابل را تسهیل می‌کند. پاتنام این مفهوم را بیش‌تر در فهم تقویت بنیادگذاری نهادهای دموکراتیک در سطوح منطقه‌ای و ملی به کار می‌برد و معتقد است که افزایش در سرمایه اجتماعی موجب بالاتر رفتن مشارکت سیاسی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی را می‌توان با ترویج مشارکت مدنی بیشتر، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی مانند پارک‌ها و کتابخانه‌ها تقویت کرد. هرچند در مورد بررسی مطالعه نقش حقوق شهرونی بر سرمایه اجتماعی پژوهش‌های اندکی انجام شده، اما تحقیقات سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای به وفور در داخل و خارج انجام شده و نتایج این پژوهش با نتایج ناطق‌پور و فیروزآبادی (۱۳۸۴)، حشمت و همکارانش (۱۳۸۹) و محمودی و نیکخواه (۱۳۹۱) همسو بوده و نتایج در یک راستا هستند. در نهایت باید اذعان کرد که با توجه به اهمیت میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، باید بسترهای فراهم کرد تا جامعه با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندانی داشته باشد که در قالب حقوق و وظایف تعیین شده خود بتوانند در چارچوب فضای سیاسی- اجتماعی جامعه فعالیت و مشارکت کنند، تا از این طریق بتوان بسیاری از مشکلات از جمله خود حاشیه‌نشینی را حل و فصل کرد. سرمایه اجتماعی به شبکه‌ها، هنجارها و اعتمادی اطلاق می‌شود که همکاری و هماهنگی بین افراد و گروه‌های یک جامعه را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، حقوق شهروندی به حقوق قانونی و سیاسی اشاره دارد که افراد به عنوان اعضای یک کشور یا جامعه خاص از آن برخوردارند. سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی با هم مرتبط هستند زیرا حقوق شهروندی می‌تواند با فراهم کردن ابزارهای حقوقی و سیاسی افراد برای مشارکت در زندگی مدنی، تقویت حس اجتماعی و ارتقای همکاری و اعتماد بین اعضای یک جامعه، در ارتقای سرمایه اجتماعی نقش داشته باشد. حقوق شهروندی زیادی وجود دارد که می‌تواند به سرمایه اجتماعی کمک کند، از جمله حق رای، حق بیان و تجمع آزاد، حق محاکمه عادلانه، حق رفتار برابر طبق قانون، حق دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی. حق تشکیل و عضویت در انجمن‌ها، حق شرکت در فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی و حق دسترسی به مسکن و خدمات حمل و نقل مقرون به صرفه. همه این حقوق می‌توانند ابزارهای حقوقی و سیاسی مورد نیاز افراد را برای مشارکت در زندگی مدنی، تقویت حس اجتماعی و ارتقای همکاری و اعتماد در میان اعضای یک جامعه فراهم کنند. حقوق شهروندی می‌تواند سرمایه اجتماعی را در عمل از طریق توانمندسازی افراد برای مشارکت در زندگی مدنی، ترویج مشارکت و همکاری بیشتر در میان اعضای جامعه، تقویت حس جامعه و هویت مشترک، و ارتقای اعتماد بیشتر به نهادهای دولتی و سیستم‌های قانونی افزایش دهد. به

عنوان مثال، زمانی که افراد به حقوق قانونی و سیاسی دسترسی دارند، ممکن است برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و تعامل با جوامع خود احساس قدرت بیشتری کنند، که می‌تواند منجر به افزایش اعتماد، همکاری و ارتباط اجتماعی شود که همه اینها مؤلفه‌های مهم اجتماعی هستند. و در پایان برای افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه پیشنهاد می‌شود:

۱. ترویج مشارکت مدنی: به طرق مختلف افراد را تشویق کند تا در فعالیت‌های مدنی، مانند رای دادن، کار داوطلبانه، و سازماندهی جامعه شرکت کنند.

۲. فرصت‌هایی را برای افراد فراهم شود تا شبکه‌های اجتماعی را تشکیل و تقویت کنند و با دیگری که علایق و ارزش‌های آنها مشترک هستند ارتباط برقرار کنند. زیرا سرمایه اجتماعی با ترویج همکاری و گسترش آن بین اعضای جامعه افزایش می‌یابد.

۳. پیشنهاد می‌شود برای افزایش سرمایه اجتماعی فرهنگ تنوع و فراگیری در جامعه پرورش و تشویق شود که این امر می‌تواند تفاهم و مدارا در میان گروه‌های مختلف افزایش دهد.

۴. سرمایه‌گذاری در آموزش و خدمات اجتماعی می‌تواند با ارتقای رفاه بیشتر و حمایت اجتماعی در جامعه، سرمایه اجتماعی را افزایش دهد.

۵. تقویت نهادهای حقوقی و سیاسی از طریق ترویج شفافیت و پاسخگویی بیشتر می‌تواند اعتماد را به این نهادها افزایش دهد و با تقویت احساس امنیت و ثبات در جامعه، سرمایه اجتماعی را ارتقا دهد.

این پیشنهادها به هیچ وجه جامع نیستند، اما نقطه شروعی برای افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه هستند. با ترویج مشارکت مدنی بیشتر، تقویت شبکه‌های اجتماعی، تشویق تنوع و فراگیری، سرمایه‌گذاری در آموزش و خدمات اجتماعی، و تقویت نهادهای حقوقی و سیاسی، جوامع می‌توانند برای ساختن جامعه‌ای توانمندتر و منسجم‌تر تلاش کنند.

منابع

- آهنگر، نرگس؛ رسولی، رضا؛ درویش، حسن؛ اسعدی، محمود. (۱۳۹۷) ضرورت اخلاقی تبیین مدل شهروند محوری مردم‌سالار در سازمان‌های دولتی ایران، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳ (۳): ۱۳۸-۱۴۵.
- بابازاده، وحید؛ زارع، بیژن؛ سبکتکین، قربانعلی. (۱۳۹۷). مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی با آگاهی از مفهوم توسعه پایدار و مؤلفه‌های اجتماعی آن (مطالعه موردی: شهروندان مشکین‌شهری). توسعه اجتماعی، ۱۲(۳): ۶۳-۹۴. doi: 10.22055/qjssd.2018.13653
- باقری، لیلا. (۱۳۹۳). بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت (مطالعه موردی: شهر تهران)، مجله علمی - پژوهشی اخلاق زیستی، شماره ۱۱، ۹۵-۱۲۸: doi.org/10.22037/v4i11.13834
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۹، از صفحه ۹۷ تا صفحه ۱۲۳.
- جهانگیری، علی؛ قوپرانلو، مهرانوش؛ حاج‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار شهروندی سازمانی، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، زمستان ۱۳۹۱، دوره ۳، شماره ۸، صفحه ۸۳ تا صفحه ۹۸.
- حسین‌آبادی، سعید. (۱۳۸۹). ارزیابی نقش توانمندسازی در بهبود وضعیت اسکان غیررسمی (نمونه موردی: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- حشمت، مریم؛ بنی فاطمه، حسین؛ علمی، محمود. (۱۳۸۹). بررسی میزان سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های اجتماعی (منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین) شهر مراغه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۳(۶): ۲۷-۴۳.
- حکیمی، سیدسینا؛ رضایی‌پور، ادریس. (۱۳۹۴). آگاهی از حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی در جامعه، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی.
- رضاعلی، محسنی. (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحه ۱۱۷ تا صفحه ۱۴۴.
- زیاری، کرامت الله؛ شیخی، عبدالله؛ باقرعطاران، مرضیه؛ کاشفی‌دوست، دیمین. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱(۱): ۵۹-۷۷.
- ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۹۱). آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران، بهمن برنا.
- شرفی، محمدرضا؛ طاهرپور، محمدشریف. (۱۳۸۷). نقش نهادهای آموزشی در تربیت شهروندی. مهندسی فرهنگ، شماره ۱۵ و ۱۶. صص ۴۹-۶۲.
- شکویی حسین. (۱۳۷۹). جغرافیای اجتماعی شهرها: اکولوژی اجتماعی شهر، تهران: انتشارات آگاه.
- شیانی، ملیحه و سپهوند، ابراهیم. (۱۳۹۲)، رادبو و شهروندی؛ رابطه محتوای رادیویی و آگاهی از حقوق شهروندی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۳: ۵۰۳-۴۶۹
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، فقر و محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸: ۶۱-۳۸.
- عنایتی ترانه، آراسته حمیدرضا، ضامنی فرشیده، نظامی پایانی یوسف. رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان، اخلاق در علوم و فناوری. ۱۳۹۶؛ ۷(۲): ۲۵-۳۴.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحه ۱۱۷ تا صفحه ۱۴۴.
- محمدی‌فر، نجات؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ مسعودنیا، حسین؛ حاتمی، عباس. (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، تابستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۴۷-۱۶۲-۱۶۷-۱۶۸. DOI: 10.22108/jas.2017.21433.۱۶۲-۱۴۷
- محمدی، محمدعلی؛ شیانی، ملیحه؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۸۹)، عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۸: ۸۸-۶۵.
- محمودی، امیر؛ نیکخواه، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شیراز. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- موسوی، میرطاهر؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۹۴). تأملی بر پیامدهای سطح خرد سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۲۴۹-۲۷۵-۲۷۵-۲۴۹. DOI: 10.22059/jisr.2015.55818.۲۷۵-۲۴۹
- ناطق پور، محمد جواد؛ فیروز آبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۴): ۵۹-۹۱.

تحلیل ساختاری نقش مولفه‌های حقوق شهروندی بر سطح سرمایه اجتماعی طبقات بالا و پایین شهر اصفهان / ۱۸۳

نقدی، اسدالله؛ صادقی، ستار. (۱۳۸۵)، حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری با تاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۳۳-۲۱۳.

نیازی، محسن؛ جعفرپور برزکی، مرتضی و پروری آرانی، زینب. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی؛ مطالعه موردی: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳، فصلنامه مطالعات بین فرهنگی، دوره ۱۰، شماره ۲۵: ۱۵۷-۱۲۷.

Abdulrahim, Sawsan; Mikdashi, Dalia; Cherri, Zeinab. (2017). Lebanese perceptions of citizenship rights for children of Lebanese mothers and Palestinian fathers: a cross-sectional survey, *The Lancet*, Volume 390, Supplement 2, Page 1-7. doi.org/10.1016/S0140-6736(17)32058-5.

Colman, James, (1990). *Foundations of Social Theory*, Cambridge: Harvard University Press.

González, Francisco E. (2015). The role of shocks and social pressures in the development of citizenship rights: Great Britain and Mexico's divergent paths, *Mexican Law Review*, Volume 7, Issue 2, January-June 2015, Pages 37-61: doi.org/10.1016/S1870-0578(16)30002-6.

Inoquchi, T., Blondel, J. (2007). *Citizens and the State: Attitudes in Western Europe and East and Southeast Asia*. London, Routledge: doi.org/10.4324/9780203938119

Mandiraci, B. Bulus, I. & Fakoussa, D. (2014) *Citizenship and political participation in the mediterranean region*, EUMEF 20th New Faces Conference Istanbul, February 27-March 2.

Putnam, Robert et al, (1992). *Making Democracy Work*, New Jersey: Princeton University Press.

Sears, A. and A. Hughes (2006) 'Citizenship: education or indoctrination?' *Citizenship Teaching and Learning*, 2 (1), pp. 3-17.

Unesco (2004). *World Charter on the Right to the City*. World Urban Forum. Available at: www.portal.unesco.org.

Structural analysis of the role of citizenship rights components on the social capital level of upper and lower classes of Isfahan (comparative study of developing and marginalized neighborhoods)

Hassanreza yosofvand¹

*Assistant Professor, Department of Sociology, Payame Noor University, 3697-19395, Tehran, Iran,
(Corresponding Author)*

Nafiseh Sadrahhami²

Assistant Professor, Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran ran

Dariush Ghaffari³

PhD in Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract: *Discussing the rights of citizenship in society refers to the enjoyment of the rights of individuals in a society of all individual and social rights. Accordingly, this research has been conducted with the aim of structural analysis of the role of citizenship rights components on the level of social capital of upper and lower classes of Isfahan in both marginalized and marginalized regions. The method of the present study is a survey based on the time criterion; the cross-sectional, in terms of its nature, is practical and in terms of scale. The statistical population of the study consisted of men and women aged 15-60 (young people) living in Isfahan in two regions with marginalization. The protected area includes the Mardavij and the marginal area, including the Arzanan and Darak neighborhoods, with a sample size of 384 and a total of 768, based on the Lane table. The results of structural analysis show that, due to coefficients, the effect of citizenship rights on social capital is significant in two different marginalized and well-off societies. Considering the coefficient of influence (0.49) of the effect of citizenship rights on social capital of the marginalized area Most of the effect of citizenship rights on social capital of the region is (0.31). In general, both of these effects are significant, but the social capital measurements have shown that according to the coefficients, the size of social capital is greater than that of the marginalized region.*

Keywords: *Citizenship rights, social capital, social class, marginalization.*

¹ Email: asgaree2@yahoo.com

² Email: fmokhber@gmail.com (Corresponding Author)

³ Email: darghafari@yahoo.com